یادداشت

چالش‌های دور دوم مذاکرات ایران و ایالات متحده آمریکا

دوراهی امید و تردید

پرهام پوررمضان
پژوهشگر علم سیاست

مذاکرات اخیر میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در عمان، گامی بی‌سابقه و مهم در میانه موجی از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود. این گفت‌وگوها که روز شنبه با میانجیگری دولت عمان و در فضای غیررسمی برگزار شد، بار دیگر پرونده حساس هسته‌ای ایران و روابط پرتنش تهران-واشنگتن را به صدر اخبار بازگرداند. حال با توجه به موارد مذکور، در این کوتاه نوشتار قصد بر نگاهی عمیق‌تر به ابعاد این گفت‌وگوها و پیش‌بینی فضای دور دوم که قرار است در هفته آینده برگزار شود دارم که حکایت از چالش‌های مهم و بعضا ساختاری دارد.

۱- بستر مذاکرات؛ از تقابل به تعامل مشروط

در طول یک دهه گذشته، روابط ایران و آمریکا فرازونشیب‌های زیادی را تجربه کرده است. از توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ تا خروج آمریکا از برجام در دوران دونالد ترامپ، از اعمال تحریم‌های فلج‌کننده تا تقابل‌های مستقیم در منطقه، همه این عوامل باعث شد هرگونه مذاکره میان این دو کشور با بدبینی و تردید همراه باشد. اما برگزاری مذاکرات اخیر در عمان، نشان داد همچنان ظرفیت دیپلماتیک برای گفت‌وگو حفظ شده است. مسئله مهم اینجاست که این گفت‌وگوها صرف به معنای بازگشت به برجام یا احیای کامل آن نیست، بلکه هر دو طرف تلاش دارند در یک چارچوب غیررسمی و مشروط، خواسته‌های حیاتی خود را پیش ببرند؛ ایران در پی کاهش تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده است و آمریکا خواستار توقف فعالیت‌های هسته‌ای حساس ایران، خصوصا غنی‌سازی با خلوص بالا (بیش از ۶۰ درصد).

۲- مطالبات متقابل؛ سقف بلند انتظارات

در مذاکرات اخیر، ایران اعلام کرد که بدون رفع بخشی از تحریم‌ها و تضمین‌هایی برای بهره‌مندی اقتصادی، هیچ تغییری در برنامه هسته‌ای خود نخواهد داد. این در حالی است که آمریکا نگران «نقطه گریز» ایران برای دستیابی به ظرفیت تولید سلاح هسته‌ای است. ازاین‌رو می‌توان خواسته‌های ایران را در قالب آزادسازی بخشی از دارایی‌های بلوکه‌شده در کشورهای ثالث (کره جنوبی، عراق و ژاپن)، لغو بخشی از تحریم‌های نفتی و بانکی و تضمین بهره‌مندی از منافع اقتصادی توافق و مطالبات آمریکا با توقف غنی‌سازی بالای ۶۰ درصد، همکاری بی‌قیدوشرط با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و پایبندی ایران به تعهدات پادمانی صورت‌بندی کرد. این فاصله میان خواسته‌ها، مذاکره را به یک بازی پیچیده چانه‌زنی تبدیل کرده است؛ به‌ویژه در شرایطی که اعتماد متقابل وجود ندارد.

۳- نقش بازیگران منطقه‌ای؛ موانع فرامنطقه‌ای

یکی از چالش‌های اصلی دور دوم مذاکرات، ورود یا دخالت بازیگران ثالث است که تمایل یا توانایی تأثیرگذاری بر روند مذاکرات را دارند. اسرائیل بارها اعلام کرده که اجازه نخواهد داد ایران به «آستانه هسته‌ای» برسد و حتی در صورت شکست مذاکرات، ممکن است اقدام نظامی انجام دهد. کشورهای حوزه خلیج فارس نیز نگران آن هستند که هرگونه توافق جدید، به افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران منجر شود. هم‌زمان، آمریکا هم باید به متحدان سنتی خود پاسخ دهد که نگران امتیازدادن بیش از حد به تهران هستند. نقش عربستان سعودی، ترکیه و حتی روسیه و چین در شکل‌گیری معادله‌های جدید در خاورمیانه، از عواملی است که نباید نادیده گرفته شود.

۴- چالش‌های داخلی؛ تقابل نیروهای درون‌سیستمی

هم در تهران و هم در واشنگتن، مذاکرات عمان مخالفانی جدی دارد. در ایران، برخی جریان‌های سیاسی محافظه‌کار، توافق با آمریکا را نشانه‌ای از «عقب‌نشینی» تلقی می‌کنند. از سوی دیگر، در آمریکا و با نزدیک‌شدن به هرگونه توافق احتمالی ممکن است فضا با انتقاد جمهوری‌خواهان مواجه شود که همواره مخالف سیاست مماشات با ایران بوده‌اند. نکته حیاتی اینجاست که حتی در صورت توافق موقت یا گام‌به‌گام، تضمینی برای اجرای آن وجود ندارد، مگر اینکه ساختار حقوقی و پشتیبانی سیاسی کافی برایش فراهم شود.

۵- مکانیسم اجرائی احتمالی؛ توافق موقت یا گام‌به‌گام؟

با توجه به فاصله زیاد مواضع دو طرف، بعید است در دور دوم مذاکرات عمان، توافقی جامع مانند برجام حاصل شود؛ در عوض احتمال دارد طرفین به یک توافق موقت یا گام‌به‌گام تن دهند. در چنین چارچوبی، ایران بخشی از فعالیت‌های حساس هسته‌ای خود را تعلیق می‌کند، آمریکا بخشی از تحریم‌ها را رفع یا معلق می‌کند و در نهایت سازوکاری برای ادامه گفت‌وگوها و راستی‌آزمایی ایجاد می‌شود.

۶- پرونده غزه و تأثیر آن بر مذاکرات

درگیری‌ها در نوار غزه و تنش‌های میان ایران و اسرائیل، سایه سنگینی بر مذاکرات انداخته است؛ به‌طوری که می‌توان بیان کرد تا زمانی که بحران غزه ادامه دارد، امکان توافقی پایدار و راهبردی میان تهران و واشنگتن وجود نخواهد داشت؛ زیرا هرگونه امتیازدادن به ایران در چنین فضایی، از سوی متحدان آمریکا در منطقه به منزله «تسلیم در برابر محور مقاومت» تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

در پایان این نوشتار باید بیان کرد که دور دوم مذاکرات عمان در حالی برگزار می‌شود که فضای عمومی و منطقه‌ای به‌شدت ملتهب و متزلزل است. اگرچه برگزاری دور اول مذاکره نشان‌دهنده تمایل دو طرف برای حل‌وفصل مسائل از مسیر دیپلماتیک است، اما چالش‌های ساختاری، مطالبات متقابل، فشارهای داخلی و دخالت بازیگران منطقه‌ای، آینده این روند را مبهم کرده است. آیا دو طرف می‌توانند از تنگنای سیاسی عبور کرده و به توافقی ولو محدود دست یابند؟ پاسخ به این پرسش نه‌تنها سرنوشت پرونده هسته‌ای ایران، بلکه آینده امنیت در خاورمیانه را نیز تعیین خواهد کرد.

سرنوشت تلخ جنگجویان چینی در جنگ برای پوتین

رؤیای روسی، کابوس اوکراینی

شرق: برخی برای پول آمده بودند و برخی هم باور داشتند با کمک به روسیه، برای آرمان «احیای ملی» چین می‌جنگند. نیروهای تازه‌نفس چینی که راهی جنگ اوکراین می‌شدند، با شعارهای میهن‌پرستانه، بلیت‌های ارزان مسکو را خریدند، یونیفرم‌ها را تحویل گرفتند، آموزشی سطحی و ابتدایی دیدند و سپس روانه میدان جنگ در باخموت و زاپوریژیا شدند.

اما واقعیت، بی‌رحمانه بود. آنها شاهد تکه‌تکه‌شدن دوستان‌شان بودند. در اشغال شهرها و خانه‌های مردمی در اوکراین شرکت کردند و دیرهنگام دریافتند حضورشان در آنجا ناخواسته است و اگر هم تلاش می‌کردند بند آزادسازی در قراردادهای‌شان را فعال کنند، به ریشخند گرفته می‌شدند.

یکی از آنها به نام «سان رویچی» هنگام عزیمت به میدان نبرد، رو به دوربین گفت: «اول من را به نبرد بفرستید، پیروزی حتمی است!» اما چند هفته بعد، تماشای حساب کاربری‌اش در شبکه‌های اجتماعی دشوارتر شده بود. او حالا تلاش می‌کند جنگ را رها کند، اما راهی برای خروج نمی‌یابد. می‌گوید: «هیچ‌گونه کمک پزشکی در کار نیست. کسی اهمیت نمی‌دهد. درد دارد من را می‌کشد. با سفارت چین در روسیه تماس گرفتم، اما گفتند این مشکل خودم است و از دست آنها کاری برنمی‌آید».

به گزارش روزنامه بریتانیایی تایمز، روز دوشنبه، نیروهای مسلح اوکراین چند جنگجوی چینی را که یک هفته پیش اسیر شده بودند، در برابر رسانه‌ها به نمایش گذاشتند. این دو مرد هنگام صحبت گیج به نظر می‌رسیدند و مشخص نبود مشارکت‌شان چقدر داوطلبانه بوده است و امیدوار بودند تا شاید راهی برای بازگشت به خانه وجود داشته باشد.

یکی دیگر از آنها، «وانگ گوانگجون، درباره برخوردی که منجر به اسارتش شد، توضیح داد: «ما به تپه‌ها رفتیم، سپس وارد جنگل شدیم، به سنگرها رفتیم، تا اینکه در یک لحظه حساس ما را به جنگل منتقل کردند و سنگری را در جهتی که باید به آن شلیک می‌کردیم، نشان‌مان دادند». او افزود: «و بعد تعداد زیادی پهپاد اوکراینی ظاهر شدند و شروع به بمباران ما کردند». او نتوانست نام واحد خود را بگوید، جز اینکه «احتمالا» تیپ ۷ موتوریزه بوده است. روسی بلد نبود و نمی‌فهمید به او چه می‌گویند. وانگ گفت پس از از دست دادن شغلش در دوران همه‌گیری کرونا و فریب‌خوردن با تصاویر پیروزی‌های روسیه در شبکه‌های اجتماعی، «به دام افتاده» تا برای روسیه بجنگد.

مرد دیگر، «ژانگ رن بو» گفت فکر می‌کرده برای کارگری ثبت‌نام می‌کند. او گفت: «قبل از رفتن به جنگ، هیچ‌چیز درباره اوکراین نمی‌دانستم». هر دو مرد از رفتاری که با آنها شده بود، شکایت داشتند؛ اجبار به کار فیزیکی سخت در مواقعی که در جبهه نبودند، تا در ازای آن، آب و غذایی ناچیز به دست بیاورند.

کابوس جبهه‌ها

سردرگمی و سرخوردگی، مضمونی تکراری در مصاحبه‌ها با بیش از صد داوطلب چینی دیگر است که مشخص شده برای جنگیدن در کنار نظامیان روسیه ثبت‌نام کرده‌اند، و همچنین در پست‌های آنلاین آنها. طولانی‌ترین روایت، مصاحبه‌ای نیم‌ساعته با یک کهنه‌سرباز سابق ارتش چین است که در باخموت، محل خونین‌ترین نبردها، خدمت می‌کرد. او با «چای لینگ» گوینده خبر سابق تلویزیون دولتی چین که به اسپانیا مهاجرت کرده و اکنون مستقل از سانسور حکومتی چین فعالیت می‌کند، گفت‌وگو کرد.

این سرباز که با اسم رمز «ماکارون قرمز» معرفی می‌شود، می‌گوید از ثبت‌نام پشیمان است.

او به چای می‌گوید: «اشتباه کردم. تصمیم اشتباهی گرفتم که به این جنگ، این جنگ بین مردمان اسلاو، پیوستم. هر وجب از خاک با خون‌ریزی به دست می‌آید. واقعا فکر نمی‌کنم اصلا چیز جالبی باشد. به‌هیچ‌وجه سرگرم‌کننده‌ای در آن نیست».

او از تردیدهای اخلاقی‌اش حرف می‌زند، درحالی‌که هم‌زمان می‌گوید ذهنش را دو قسمت کرده است؛ بخشی از او کارش را انجام می‌دهد و سعی می‌کند زنده بماند، درحالی‌که بخش دیگر به سرنوشت اوکراینی‌هایی می‌اندیشد که خانه‌های‌شان را اشغال و ویران می‌کند. او می‌گوید: «نه انسانیتی هست، نه اخلاقی. به‌ویژه وقتی سربازان اسیر می‌شوند، ممکن است تحقیر شوند، حتی تا حد مرگ شکنجه شوند. این اعمال، به باور من، با بنیادین‌ترین اصول نجابت و اخلاق انسانی در تضاد است. این کار درست نیست».

او در ابتدا جذب حقوق وعده داده‌شده -حدود ۱۵ هزار یوان در ماه (معادل حدود هزارو ۵۶۰ پوند)- شده بود. ابتدا راهی لوهانسک، یکی از استان‌های اشغالی اوکراین، شد و به شبه‌نظامیان محلی پیوست، پیش از آنکه به صفوف ارتش روسیه منتقل شود. در آنجا مورد آزار و اذیت فرمانده خود قرار گرفت که «به سربازان سیاه‌پوست ناسزا می‌گفت، توهین‌های نژادپرستانه نثارشان می‌کرد و به همین شکل اعراب و چینی‌ها را تحقیر می‌کرد». سرانجام وقتی فرمانده جلیقه ضدگلوله‌اش را که خودش خریده بود، گرفت و از پس‌دادن آن امتناع کرد، شکایتی را ثبت کرد. سپس او را به همراه دو روس دیگر که دیگر «نمی‌خواستند بیرون بروند و آدم بکشند» به یک گودال تنبیهی انداختند؛ سرنوشتی را که برای آن دو روس رقم خورد، تنها «تاریکی مطلق» توصیف می‌کند. از زمان مصاحبه، ماکارون مجروح شده و آخرین‌بار خبر رسیده که در بیمارستانی در روسیه بستری است.

سرباز چینی دیگری به نام «ژو ژیچیانگ» که می‌گفت در کنار مزدوران نپالی می‌جنگد، سال گذشته مرگ یکی از همکارانش به نام «ژائو روی» را توصیف کرد که گمان می‌رود اولین نفر از تعدادی چینی کشته‌شده در جنگ اوکراین باشد. او همچنین گفت که رؤسای روسی‌اش با او «مانند یک انسان» رفتار نمی‌کردند.

بسیاری از پست‌های سربازان دیگر که افکار خود را در دوبین (Douyin)، نسخه چینی تیک‌تاک، ثبت کرده بودند، حذف شده‌اند. چین از افشای اینکه شهروندانش در روسیه می‌جنگند، شرمسار شده است. درحالی‌که پکن گفته این افراد بدون اراده خودشان می‌جنگند، اما هیچ تلاشی برای بازگرداندن آنها نکرده است. ادعای دیگر این است که بسیاری از کسانی که می‌جنگند، تلاش دارند بدهی‌های خود را در وطن تسویه کنند. چین در چند سال گذشته دچار رکود اقتصادی شده است.

لین جیان، سخنگوی وزارت خارجه چین، در واکنش به این گزارش‌ها می‌گوید: «چین در حال بررسی اطلاعات و شرایط مربوطه است». او گفت پکن «از طرف‌های مربوطه می‌خواهد موضع عینی و بی‌طرفانه چین را به‌درستی درک کنند و از بازی‌های سیاسی و جنجال‌سازی خودداری کنند». سرنوشتی که در صورت بازگشت به خانه در انتظار این جنگجویان چینی است، نامشخص است. «ماکارون» در مصاحبه‌اش سعی می‌کند از سیاست دوری کند، اما به فیلم‌های جنگی پرطمطراقی اشاره می‌کند که مشخصه صنعت فیلم چین در سال‌های پس از به قدرت رسیدن رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ بوده است. او می‌گوید: «امیدوارم چین نقش باثباتی را حفظ کند. به عبارت دیگر، به‌سادگی جنگ‌ها را تحریک نکند یا به آنها نپیوندد. بسیاری از مردم با تماشای فیلم‌های دراماتیک حماسی، جنگی که اغراق‌آمیز و بیش از حد هیجان‌انگیز است، تحریک می‌شوند. در واقعیت، میدان نبرد به‌شدت وحشیانه است و به‌سادگی می‌توان گفت که شبیه جهنم است».

شبه‌نظامیان یمنی با حمایت ضمنی آمریکا و امارات آماده نبرد زمینی با حوثی‌ها می‌شوند

سواحل دریای سرخ؛ میدان جدید تقابل در یمن

شرق: در پی حملات هوایی آمریکا که به گفته مقام‌های نظامی و سیاسی واشنگتن، توان نظامی حوثی‌ها را تضعیف کرده، گروه‌های شبه‌نظامی یمنی در حال برنامه‌ریزی برای یک عملیات زمینی گسترده هستند تا از این فرصت برای بازپس‌گیری بخش‌هایی از سواحل دریای سرخ که از یک دهه پیش تحت کنترل حوثی‌ها قرار دارد، استفاده کنند. مقامات یمنی و آمریکایی می‌گویند این گروه‌ها به دنبال بیرون‌راندن حوثی‌ها از مناطق کلیدی در شمال غربی یمن هستند. به گفته افراد مطلع از برنامه‌ریزی‌ها، پیمانکاران امنیتی خصوصی آمریکایی به گروه‌های یمنی در مورد جزئیات این عملیات زمینی مشاوره داده‌اند. امارات متحده عربی که از حامیان اصلی این گروه‌هاست، در هفته‌های اخیر این طرح را با مقامات آمریکایی در میان گذاشته است.

مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که واشنگتن به حمایت از عملیات زمینی نیروهای محلی تمایل دارد، اما هنوز تصمیم نهایی در این باره گرفته نشده است. آنها تأکید دارند که آمریکا هدایت این مذاکرات را بر عهده ندارد، بلکه هدف، تقویت گروه‌های محلی متحد با دولت به رسمیت شناخته‌شده یمن از سوی غرب و جامعه جهانی برای تأمین امنیت این کشور است.

برایان هیوز، سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا، هفته گذشته در گفت‌وگو با وال‌استریت‌ژورنال اظهار کرد: «امنیت دریای سرخ در نهایت بر عهده شرکای منطقه‌ای ماست و ما با آنها همکاری نزدیکی داریم تا کشتیرانی در این آبراه‌ها برای آینده‌ای طولانی ایمن و آزاد باقی بماند».

طرح حمله به بندر استراتژیک حدیده

بر اساس طرح مورد بحث، نیروهای مستقر در جنوب یمن قرار است در امتداد ساحل غربی این کشور که تحت سیطره حوثی‌هاست، پیشروی کنند و بندر حدیده در دریای سرخ را تصرف کنند. موفقیت این عملیات می‌تواند حوثی‌ها را از بخش‌های وسیعی از سواحل عقب براند؛ مناطقی که این گروه از آنجا به کشتی‌های عبوری در آب‌های اطراف حمله کرده است.

تصرف حدیده ضربه‌ای سنگین به حوثی‌ها خواهد بود؛ این بندر نه‌تنها شریان اقتصادی آنهاست، بلکه مسیر اصلی دریافت تسلیحات از یک بازیگر منطقه‌ای را نیز قطع می‌کند. با اینکه آنها هرگونه تأمین تسلیحات برای حوثی‌ها را رد کرده‌اند، اما بازرسان سازمان ملل بارها منشأ محموله‌های تسلیحاتی ضبط‌شده را به آن ردیابی کرده‌اند. محمد علی الحوثی، از رهبران ارشد حوثی، اخیرا با لحنی تند اعلام کرد که حملات هوایی آمریکا در متوقف‌کردن این گروه ناکام مانده و هرگونه عملیات زمینی نیز به سرنوشتی مشابه دچار خواهد شد.

این مذاکرات در حالی انجام می‌شود که آمریکا به دنبال راه‌هایی برای کاهش حملات هوایی خود در یمن است. دولت جدید آمریکا که بر تعهد خود به عملیات محدود و پرهیز از درگیری‌های طولانی تأکید دارد، در حال بررسی گزینه‌های مختلف است. با این حال، یک حمله زمینی بزرگ می‌تواند خطر ازسرگیری جنگ داخلی یمن را به دنبال داشته باشد؛ جنگی که سال‌هاست فروکش کرده، اما در گذشته با حمایت ائتلاف عربستان و امارات و بمباران‌های گسترده، به یک بحران انسانی دامن زد.

پیامدهای منطقه‌ای

حوثی‌ها حملات خود به کشتی‌های عبوری از دریای سرخ را اندکی پس از عملیات نظامی اسرائیل در غزه آغاز کردند؛ عملیاتی که در پاسخ به حملات حماس در اکتبر ۲۰۲۳ انجام شد. در نتیجه این حملات، بیشتر کشتی‌های تجاری همچنان مسیر طولانی‌تر اطراف جنوب آفریقا را انتخاب می‌کنند و از دریای سرخ و کانال سوئز دوری می‌جویند.

آمریکا از ۱۵ مارس عملیات خود علیه حوثی‌ها را آغاز و اعلام کرد که هدفش دفاع از منافع ملی، بازدارندگی دشمنان و تضمین آزادی کشتیرانی در یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجاری دریایی جهان است. به گفته مقامات آمریکایی، بیش از ۳۵۰ حمله در این کمپین انجام شده، اما ارتش آمریکا هنوز گزارشی از نتایج این حملات منتشر نکرده است.

مقامات یمنی و ناظران جنگ در این کشور می‌گویند که نزدیک به یک ماه حملات هوایی نتایج متفاوتی داشته و حملات هوایی به تنهایی نمی‌توانند حوثی‌ها را شکست دهند. از زمان آغاز این حملات، حوثی‌ها موشک‌ها و پهپادهایی را در نزدیکی ناو هواپیمابر یواس‌اس هری اس. ترومن در دریای سرخ شلیک کرده‌اند و حملات خود به اسرائیل را نیز از سر گرفته‌اند.

به گفته مقامات آمریکایی، ورود یک ناو هواپیمابر دوم به همراه کشتی‌های پشتیبانی به منطقه، احتمالا به افزایش حملات برای چند هفته دیگر منجر خواهد شد. با این حال، حمایت از یک عملیات زمینی برای آمریکا پیچیدگی‌هایی به همراه دارد. واشنگتن در جنگ داخلی طولانی یمن از ائتلافی به رهبری عربستان و امارات علیه حوثی‌ها حمایت کرده بود. آن درگیری در سال ۲۰۲۲ به آتش‌بس انجامید، اما تنش‌های پراکنده میان حوثی‌ها و گروه‌های مورد حمایت این ائتلاف همچنان ادامه دارد.

گزارش

گزارش سیا از حمله یوفوها به سربازان شوروی

انتشار یک گزارش از طبقه‌بندی خارج‌شده سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در وب‌سایت این سازمان، موجی از واکنش‌ها را در فضای مجازی به راه انداخت. این سند به جزئیات حمله ادعایی یک شیء پرنده ناشناس (یوفو) به واحدی از سربازان شوروی در اواخر عمر اتحاد جماهیر شوروی می‌پردازد. این گزارش که درواقع خلاصه‌ای یک‌صفحه‌ای از مطالب منتشرشده در دو روزنامه -«ویکلی ورلد نیوز» کانادا و «هولوس اوکراینی» اوکراین- در مارس ۱۹۹۳ است، به رویارویی خشونت‌باری اشاره دارد که گفته می‌شود بین نیروهای ارتش روسیه و یک بشقاب‌پرنده در سال ۱۹۸۹ یا ۱۹۹۰ در سیبری رخ داده است.

منبع اوکراینی، این ماجرا را با عنوان «انتقام کیهانی» منتشر کرده و ادعا می‌کند که اطلاعات آن برگرفته از یک پرونده حجیم ۲۵۰صفحه‌ای کاگ‌ب است که شامل شهادت شاهدان عینی و عکس‌های مستند می‌شود. طبق این روایت، ۲۵ سرباز شوروی در حین یک تمرین نظامی بودند که ناگهان یک «سفینه بشقابی‌شکل با ارتفاع پرواز کم» بر فراز پایگاه‌شان ظاهر شد.

مشاهده این شیء ناشناس، سربازان را بر آن داشت تا «به دلایلی نامعلوم» یک موشک زمین به هوا به سمت آن شلیک کنند و موفق به سرنگونی آن شوند. پرونده ادعایی کاگ‌ب سپس شرح می‌دهد که چگونه «پنج موجود انسان‌نمای کوتاه‌قامت با سرهای بزرگ و چشم‌های سیاه درشت» از لاشه هواپیمای ساقط‌شده بیرون آمدند. این موجودات سپس با یکدیگر ترکیب شده و به یک «جسم واحد» کروی تبدیل شدند که «صدای همهمه‌ای ترسناک» از خود متصاعد می‌کرد.

در ادامه، این کره نورانی با انفجاری خیره‌کننده از نور سفید منفجر شد. این انفجار، ۲۳ سرباز حاضر در محل را به «ستون‌های سنگی» تبدیل کرد. تنها دو سرباز که در سایه ایستاده بودند و از تابش مستقیم نور در امان ماندند، جان سالم به در بردند.

گفته می‌شود ارتش سرخ اجساد سنگ‌شده قربانیان را جمع‌آوری و به یک آزمایشگاه تحقیقاتی سرّی در حومه مسکو منتقل کرد. بررسی‌ها در آنجا نشان داد که ساختار مولکولی اجساد به ساختار سنگ آهک تغییر یافته است. علت این دگرگونی هولناک به یک «منبع انرژی» ناشناخته برای بشر نسبت داده شد.

در واکنش به این ماجرای عجیب، از یک تحلیلگر بی‌نام سازمان سیا نقل شده است: «اگر پرونده کاگ‌ب صحت داشته باشد، با موردی فوق‌العاده تهدیدآمیز روبه‌رو هستیم». او افزود: «بیگانگان فضایی سلاح‌ها و فناوری‌هایی فراتر از تمام تصورات ما در اختیار دارند و قادرند در صورت حمله، از خود دفاع کنند».

با این حال، همه این داستان را باور نکرده‌اند. مایک بیکر، مأمور سابق سیا، از جمله افرادی است که در صحت این رویارویی که بیشتر به صحنه‌ای از داستان‌های علمی-تخیلی عامه‌پسند یا فیلم‌های درجه دو دهه ۱۹۵۰ شباهت دارد، تردید جدی دارد. او به فاکس‌نیوز دیجیتال گفت: «اگر هم اتفاقی افتاده باشد، ماهیت آن هرچه بوده، گمان نمی‌کنم گزارش اولیه شباهت زیادی به چیزی داشته باشد که حالا، پس از پنج، شش یا هفت بار بازنویسی، منتشر شده است».

بیکر افزود: «مطمئنم چیزی آن بیرون وجود دارد، اما تصور نمی‌کنم دهه‌ها پیش فرود آمده باشند و سربازان شوروی را به سنگ آهک تبدیل کرده باشند و ما تازه الان خبردار شویم. فکر نمی‌کنم قضیه این‌طور باشد».

صرف‌نظر از صحت این گزارش خاص، اشیای پرنده ناشناس و پدیده‌های هوایی توضیح‌ناپذیر (UAP) همچنان موضوعی داغ و جذاب در ایالات متحده و سراسر جهان هستند.

www
shargh
daily
ir

برگ سبز خودرو کوئیک ارزنگ سفید مشکی
مدل ۱۴۰۳ به شماره پلاک
۱۵۸ ط ۲۳ ایران ۳۸ و شماره موتور M155464763
و شماره شاسی NAPX212AAR1304587
به نام **آذر خزایی** مفقود گردیده
و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

انجمن اسلامی مهندسین
تاسیس ۱۳۳۶
استاد الیاس کلانتری
جایگاه قرآنی نهضت امام مهدی (ع)
چهارشنبه : ۲۷ فروردین ۱۴۰۴
ساعت : ۱۷:۰۰ الی ۱۹:۰۰
ضلع جنوبی بلوار میرداماد نرسیده به میدان مادر شماره ۱۲۶ طبقه ۴
ttps://www.skyroom.0nline/ch/iaie/general-speech

«آگهی برگزاری مجمع عمومی مالکان شهرک امید» نوبت دوم

با توجه به عدم حصول حد نصاب قانونی در جلسه مجمع عمومی مالکان شهرک امید (نوبت اول) در تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۴، بدینوسیله از کلیه مالکان «شهرک امید» دعوت به عمل می‌آید در جلسه «مجمع عمومی مالکان شهرک امید (نوبت دوم)» حضور به هم رسانند.

زمان جلسه: سه شنبه ۰۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ ساعت ۱۷ (پنج بعد از ظهر)
مکان جلسه: سالن اجتماعات شهرک امید واقع در جوار پارک مرکزی شهرک
دستور جلسه: ۱- اتخاذ تصمیم در خصوص تشکیل «انجمن مالکان شهرک امید (موسسه غیر تجاری و غیر انتفاعی-در شرف تاسیس)»:
۱-۱- تصویب طرح اساسنامه «انجمن مالکان شهرک امید (موسسه غیر تجاری و غیر انتفاعی-در شرف تاسیس)».
۱-۲- انتخاب اعضای هیأت مدیره و خزانه دار و بازرسین «انجمن مالکان شهرک امید (موسسه غیر تجاری و غیر انتفاعی-در شرف تاسیس)».
۱-۳- تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.
تبصره۱- طرح پیشنهادی اساسنامه از روز شنبه ۰۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ در ساختمان اداری شهرک امید آماده و در دسترس مالکان شهرک امید است.
تبصره۲- مالکان شهرک امید می توانند شخصا در مجمع حضور یافته یا نسبت به معرفی نماینده (از جمله مستاجر خود) جهت شرکت در مجمع از طریق تنظیم «سند رسمی وکالت» یا «معرفی نامه عادی» که به امضای مالک رسیده باشد، اقدام نمایند. احراز مالکیت و نمایندگی افراد جهت حضور در جلسه مجمع، با در نظر گرفتن اسناد و مدارک و اطلاعات موجود از روز شنبه ۰۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ تا روز دوشنبه ۰۸ اردیبهشت ۱۴۰۴ با حضور توامان مالک و نماینده وی در ساختمان اداری شهرک امید صورت خواهد گرفت.
تبصره۳- مقتضی است کلیه مالکان شهرک امید یا وکیل یا نماینده قانونی ایشان جهت دریافت برگ ورود به جلسه مجمع، از دو ساعت قبل از شروع مجمع به منظور احراز هویت و مالکیت، به همراه مدارک شناسایی از قبیل کارت ملی یا سایر اوراق شناسایی معتبر، اسناد مالکیت از قبیل مبایعه نامه و قراردادهای تنظیمی به محل برگزاری مجمع مراجعه نمایند.
تبصره۴- کسانیکه مایل به عضویت هیأت مدیره و خزانه دار و بازرسین «انجمن مالکان شهرک امید (موسسه غیر تجاری و غیر انتفاعی-در شرف تاسیس)» می باشند، می‌توانند از روز دوشنبه اول اردیبهشت ۱۴۰۴ تا روز چهارشنبه ۰۳ اردیبهشت ۱۴۰۴ با در دست داشتن مدارک لازم (کپی شناسنامه و کارت ملی و مدرک تحصیلی و ...) به ساختمان اداری شهرک امید مراجعه و نسبت به تکمیل فرم کاندیداتوری اقدام نمایند.
* تقاضا می گردد با عنایت به ضرورت ساماندهی هرچه سریع‌تر امور شهرک امید و محول نمودن اداره امور به انجمن مالکان و تشریک مساعی و همفکری درخصوص مدیریت امور شهرک به نحو شایسته، کلیه مالکان شخصاً یا از طریق نماینده خود در جلسه فوق شرکت فرموده و دیگر مالکان را از برگزاری مجمع فوق مطلع فرمایند.

جمعی از مالکان شهرک امید (گروه ۷۷)